Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution

Journal homepage: www.cir.ihu.ac.ir

Financing the Islamic Seminary Management Organization in the Islamic civilization system from the Perspective of Imam Khomeini

Mehdi Raayai[*1] | Hamidreza Maqsoodi [2]

1. Assistant Professor, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran
Email: mahdiroayaei@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran.
Email: hr.maghsoudi@qom.ac.ir

Volume info

Vol. 5
Series: 19
Autumn 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
09 April 2025
Revised:
17 August 2025
Accepted:
31 January 2026
Published:
23 September 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685

Abstract

Purpose: As a major institution playing a critical role in the formation of Islamic civilization, the Islamic Seminary (*Hawza*) faces various strategic challenges. One of the most significant and influential of these issues—which has also been the target of intense media attacks—is the financing system of the Seminary's administrative structure. In this context, a key area of inquiry involves addressing the theoretical foundations of financing for Islamic seminaries. To design a sound financing system for the Seminary's management, one can articulate these foundations based on the perspectives of the two Leaders of the Revolution.

Methodology In the present study, the statements, messages, and writings of Imam Khomeini (RA) are examined using the method of thematic analysis.

Findings: In this regard, 170 basic themes relevant to the subject were identified, which led to the development of twenty organizing themes and four global themes. Ranked by importance—based on the frequency of the underlying codes—these global themes are: the seminary's support for the political system and the government; the determination of financial resources and funding mechanisms for the seminaries; the independence and autonomy of the seminary and the clergy; and, finally, the necessity of management and planning to advance the goals and programs of the seminary management organization.

Research limitations: The most significant outcome of this research is the necessity for a reciprocal relationship and mutual support between the Islamic seminaries (*hawzas*) and the Islamic system. It further establishes that the independence of the seminary management organization is not incompatible with its receipt of support from the state and the Islamic system. According to the perspective of Imam Khomeini (RA), realizing this objective requires adherence to laws and Sharia standards, limiting the utilization of resources to the extent of necessity, avoiding dependence on centers of power and wealth, and observing various other considerations—all of which are detailed within the research's thematic framework.

Keywords: Islamic Seminary,Imam Khomeini (RA), financing, theme analysis, Islamic civilization.

Cite this Paper: Raayai'M & Maqsoodi'H.(2026). Financing the Islamic Seminary Management Organization in the Islamic civilization system from the Perspective of Imam Khomeini. Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution. 5(19), 173-202.

DOR: : 20.1001.1.29808901.1405.5.19.6.7

OPEN ACCESS

CC BY

Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).

نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی
Journal homepage: www.cir.ihu.ac.ir

تأمین مالی سازمان مدیریت حوزه‌های علمیه در نظام تمدن اسلامی از منظر امام خمینی(ره)

مهدی رعایائی*[1] | حمیدرضا مقصودی[2]

۱. استادیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران Email: mahdiroayaei@gmail.com
۲. استادیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران Email: hr.maghsoudi@qom.ac.ir

سال و شماره
سال ۵، پیاپی: ۱۹
پاییز ۱۴۰۵

نوع مقاله
مقاله پژوهشی

سابقه مقاله
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

شاپا چاپی و الکترونیکی
شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸۰
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱

چکیده

هدف: حوزه علمیه به‌عنوان یکی از کلان‌سازمان‌هایی که جایگاه خطیری در شکل‌گیری تمدن اسلامی دارد، با مسائل راهبردی مختلفی روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین مسائل که مورد هجمه رسانه‌ای جدی نیز قرار گرفته، نظام تأمین مالی سازمان مدیریت حوزه است. در این میان یکی از مباحث مهم، پرداختن به مبانی نظری تأمین مالی حوزه‌های علمیه است. اما به‌منظور طرح‌ریزی نظام تأمین مالی صحیح در سازمان مدیریت حوزه می‌توان به تبیین مبانی فوق مبتنی بر نظر امامین انقلاب پرداخت.

روش پژوهش: در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی بیانات، پیام‌ها و مکتوبات حضرت امام(ره) پرداخته می‌شود.

یافته‌ها: در این راستا ۱۷۰ مضمون پایه متناسب با موضوع شناسایی گردید که منجر به تولید بیست مضمون سازمان‌دهنده و چهار مضمون فراگیر شد که به ترتیب اهمیت براساس فراوانی کدها عبارت‌اند از حمایت و پشتیبانی حوزه از نظام و دولت، تعیین منابع و لوازم تأمین مالی حوزه‌های علمیه، استقلال و عدم وابستگی حوزه و روحانیت و در نهایت لزوم مدیریت و برنامه‌ریزی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های سازمان مدیریت حوزه‌های علمیه.

نتیجه‌گیری: مهم‌ترین خروجی پژوهش را می‌توان لزوم ارتباط و حمایت دوجانبه حوزه‌های علمیه و نظام اسلامی از یکدیگر و عدم منافات استقلال سازمان مدیریت حوزه با بهره‌مندی آن از حمایت‌های نظام و دولت دانست. لازمه تحقق این مهم طبق دیدگاه حضرت امام(ره) توجه به قوانین و رعایت موازین شرعی، استفاده به قدر رفع ضرورت، ممنوعیت وابستگی به مراکز قدرت و ثروت و ملاحظات متعدد دیگری است که در شبکه مضامین پژوهش ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: حوزه علمیه، امام خمینی(ره)، تأمین مالی، تحلیل مضمون، تمدن اسلامی.

استناد: رعایائی، مهدی؛ مقصودی، حمیدرضا.(۱۴۰۵). تأمین مالی سازمان مدیریت حوزه‌های علمیه در نظام تمدن اسلامی از منظر امام خمینی(ره)؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۵(۱۹)؛ ۲۰۲-۱۷۳.
DOR: 20.1001.1.29808901.1405.5.19.6.7

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)

OPEN ACCESS
CC BY
© نویسندگان.

مقدمه و بیان مسئله

نظام حکمرانی جامعه در تمدن اسلامی، متکفل اتخاذ تصمیمات و ایجاد سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در اجتماع است. این تصمیمات و سازوکارها می‌تواند از طریق بسته‌ای از قواعد حکومتی، نهادها، مؤلفه‌های رفتاری، نظام عادات و نظام سنت‌های الهی حاصل شود (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵). درواقع برای تحقق تمدن نوین اسلامی، به مجموعه‌ای منسجم از نیازمندی‌های به هم‌پیوسته نیاز است که پاسخ‌گویی به این نیازها مستلزم فراهم نمودن همه سازوکارها از جمله مسائل مرتبط با تأمین مالی آن‌ها است (علیخانی مهرجردی و دیگران، ۱۴۰۳: ۹۰). درواقع رشد و اعتلای هر تمدنی نیازمند توجه دقیق، فراگیر و آینده‌نگرانه به ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون آن تمدن است که از جمله مهم‌ترین آن نهادهای علم و دانش می‌باشد.

نهادهای علم و دانش به‌عنوان نهادهای پیشران و جهت‌دهنده جوامع و تمدن‌ها، همواره موردتوجه علوم اجتماعی قرارگرفته‌اند. به‌واسطه نقش برجسته و ممتاز این نهادها در وضعیت کلان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... جوامع، مسائل و لوازم این نهادها اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کنند؛ ازجمله عمده‌ترین این لوازم و مسائل، مسائل اقتصادی و تأمین مالی نهادهای علم و دانش است که حسب بسترهای تمدنی مختلف، پاسخ‌های اساسی خود را دریافت می‌کند.

در این میان حوزه علمیه به‌عنوان یکی از کلان‌سازمان‌هایی که جایگاه خطیری در شکل‌گیری تمدن اسلامی دارد، با مسائل راهبردی مختلفی روبه‌رو است که باید به نحوی مدیریت شود که قدرت راهبری آن اعتلاء یابد. در باب ضرورت پرداختن به مباحث اقتصادی و تامین مالی حوزه‌های علمیه باید گفت که یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین مسائل که در سال‌های اخیر دچار چالش‌های متعددی بوده و مورد هجمه رسانه‌ای جدی نیز قرار گرفته، نظام تأمین مالی است. تامین مالی حوزه‌های علمیه در دوره‌ها و عصرهای مختلف تاریخی و به فراخور شرایط و متقضیات زمان و... از راه‌های متعددی مانند خمس، زکات، وقف، بیت‌المال، هدایای مردم به مشاهد مشرفه، حمایت حکومت‌ها، کمک‌های مردمی و... انجام شده است.

هرچند درحال‌حاضر عمده تامین مالی حوزه‌های علمیه کشور به‌طورسنتی ازسوی مراجع و با پشتیبانی امور خیریه، موقوفات و وجوهات شرعی صورت می‌گیرد، اما نظام تأمین مالی حوزه‌های علمیه در سال‌های اخیر دچار چالش‌های متعددی بوده است. برخی از این چالش‌ها میراث گذشته و برخی نیز به دنبال تغییراتی مانند به‌کارگیری بودجه دولتی، تغییرات کارکردی روحانیت و... که پس از پیروزی انقلاب اسلامی حادث شده، به وجود آمده است. این مسئله حتی در سال‌های اخیر مورد هجمه رسانه‌ای جدی نیز قرار گرفته است و گاه و بیگاه از جانب برخی از افراد و جریان‌ها، اطلاعات نادرستی در زمینه حجم بودجه مراکز حوزوی مخابره می‌شود و در تخصیص سهم حوزه از بودجه عمومی کشور اختلالات جدی ایجاد می‌کند.

در مورد چرایی و ضرورت پرداختن به دیدگاه‌های حضرت امام(ره) که موضوع این پژوهش است هم باید گفت که با توجه به مشکلات مذکور، به‌منظور تنظیم و سامان‌بخشی به مسائل اقتصادی حوزه‌های علمیه و همچنین تبیین مکانیسم تعاملات درونی و بیرونی میان حوزویان و دیگر بخش‌های جامعه و به‌ویژه حکومت و صاحبان تأمین مالی، لازم است با مرور منابع دین و با بررسی دقیق الگوهای تأمین مالی علم و فرهنگ در تمدن اسلامی، نظام تامین مالی متناسب با حوزه علمیه را تبیین، طراحی و اجرا کرد و اصول و مبانی آن را استخراج نمود. اما استخراج این اصول و مبانی نیازمند پژوهش‌های فقهی، تاریخی، کلامی و فلسفی مفصلی است که در این مقال نمی‌گنجد؛ لذا به‌منظور طرح‌ریزی نظام تأمین مالی صحیح در حوزه علمیه و ناچاری از پرداختن به استخراج این اصول، از راهکاری میانبر برای رسیدن به این اصول و مبانی استفاده شده که همان استخراج مبانی پژوهش مبتنی بر نظر بزرگان حوزه علمیه است که می‌تواند در کنار توجه به اسناد بالادستی این نهاد مانند سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، سند آمایش حوزه‌های علمیه، کلیات برنامه پنج‌ساله، منشور حوزه‌های علمیه و... به‌عنوان اصلی‌ترین جهت‌دهنده به مسیر فعالیت‌های تأمین مالی سازمان مدیریت حوزه‌های علمیه مورد توجه و بهره‌مندی قرار گیرد.

در واقع در مورد ضرورت پرداختن به موضوع پژوهش می‌توان به‌صورت خلاصه چنین گفت که در کنار توجه به نکته پیش‌گفته، از یکسو نظام فعلی مدیریت حوزه‌های علمیه به دستور و

طرح‌ریزی امامین انقلاب ایجاد شده است[1]، لذا بررسی نظرات ایشان در این زمینه از اولویت و اهمیت بالاتری برخوردار است. ثانیاً سایر مراجع بزرگوار و شخصیت‌های مؤثر حوزه‌های علمیه بیانات منسجمی و معتنابهی در این زمینه ندارند که بتوان تعداد مضامین لازم و مورد نیاز برای استفاده از روش تحلیل مضمون در بررسی و تحلیل فرمایشات ایشان را استخراج نمود. البته برخی از این فرمایشات در تحلیل مضامین به دست آمده از فرمایشات حضرت امام(ره) در مقاله مورد استفاده و استناد قرار گرفته است.

با توجه به آنچه بیان گردید در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی بیانات، پیام‌ها و مکتوبات حضرت امام(ره) پرداخته می‌شود و شبکه مضامین فرمایشات ایشان در رابطه با موضوع پژوهش استخراج و تحلیل می‌گردد. در ادامه به‌صورت مختصر به روش تحلیل مضمون اشاره می‌شود و سپس مراحل اجرای روش تحلیل مضمون در موضوع پژوهش تبیین و تدوین می‌گردد. درنهایت نیز مبتنی‌بر شبکه مضامین مستخرج از فرمایشات حضرت امام، یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها تقدیم می‌گردد.

۱- پس از پیروزی انقلاب، حضرت امام (ره) به‌دلیل وجود درگیری‌های فراوان فکری در مسائل حکومتی و ناچاری به دوری از حوزه قم، در عمل امور حوزه علمیه قم را به آیت‌الله گلپایگانی (ره) تفویض فرمودند و فقط نظارت بر آنرا پذیرفتند؛ اما پس از مدتی و با بروز علل و عواملی، چنین احساسی به وجود آمد که دیگر مدیریت سنتی پاسخگوی مقتضیات روز نیست و لازم است تا مدیریت نوینی با کارآمدی و تشکیلات کافی، شکل بگیرد. از جمله مهم‌ترین این علل و عوامل می‌توان به مواردی مانند استقبال گسترده به کسب علوم دینی در حوزه‌های علمیه و ضرورت برنامه‌ریزی برای پاسخگویی به آن در زمینه‌های مختلف آموزشی، اخلاقی، اقتصادی، رفاهی و...، گسترش حوزه علمیه قم به سراسر کشور و خارج از آن، ضرورت پاسخگویی به نیازهای حکومتی و تبلیغی، ضرورت پاسخگویی به نیازهای روز و برخورداری از شیوه‌های جدید علمی و اطلاع‌رسانی، گسترش شبهات، پرسش‌ها و طرح مسائل جدید با حاضر شدن دین در سطوح مختلف زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حکومتی، لزوم پشتوانه علمی و ارزشی برای اصلاح و تقویت نظام حوزه و ... اشاره نمود. بنابراین سازمان و تشکیلات حوزه باید متناسب با وضع روز و نیازهای جدید تغییر و توسعه می‌یافت؛ از اینرو به مقتضای نکات یاد شده سرپرستی و مدیریت حوزه دچار یک دگرگونی اساسی شد (زهره‌کاشانی، ۱۳۹۷: ۲۲۱-۲۲۲). در این راستا پس از انقلاب با نظر حضرت امام (ره) امور حوزه‌ها به «شورای مدیریت حوزه علمیه قم» سپرده شد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۳). پس از رحلت حضرت امام (ره)، در سال ۱۳۷۰ و با توجه به نواقص و کاستی‌هایی که نظام مدیریت شورایی به همراه داشت، به پیشنهاد رهبر شهید انقلاب(اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف) و موافقت سایر مراجع قم، شورای مذکور منحل و در عوض «شورای عالی حوزه‌های علمیه» و «مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه» تشکیل شد. ایشان در طرح پیشنهادی خود مقوله مدیریت و سیاست‌گذاری را از هم تفکیک کردند و پیشنهاد دادند برای حوزه یک مدیریت اجرایی و یک شورای سیاست‌گذاری تأسیس شود آنگاه برای مدیریت حوزه نُه معاونت با وظایف مشخص برشمردند.

۱- مرور پیشینه تحقیق

نتیجه بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که اثر مستقلی در رابطه با دیدگاه و فرمایشات حضرت امام(ره) در مورد اقتصاد و تأمین مالی حوزه‌های علمیه وجود ندارد. تنها پژوهش‌های اندک موجود و مرتبط به حوزه‌های علمیه، راجع به فرمایشات حضرت امام(ره) در مورد مسائل کلی حوزه‌های علمیه از جمله وظایف متقابل حوزه و نظام اسلامی، وظایف صنفی روحانیت، مناسبات و تعأمل حوزه‌های علمیه با نظام و دولت، گونه‌شناسی روحانیت و امثال آن می‌باشد که بیشتر آن‌ها نیز فاقد روش تحقیق کیفی از جمله تحلیل مضمون بوده و تنها به جمع‌آوری و دسته‌بندی بیانات ایشان در موضوعات مختلف اکتفا نموده‌اند. از جمله پژوهش‌های مذکور می‌توان به پژوهش‌هایی مانند کتاب «درآمدی بر مناسبات روحانیت و دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی(ره)» (۱۳۹۳)، کتاب «اخلاق حرفه‌ای و وظایف صنفی روحانیت از نگاه امام خمینی(ره)» (۱۳۹۲)، کتاب «رابطه روحانیت و نظام اسلامی از منظر امام و رهبری» (۱۳۹۱)، کتاب «روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی(ره)» (۱۳۹۱)، کتاب «وظایف متقابل حوزه و نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)» (۱۳۹۰)، مقاله «الگوی تعامل روحانیت و دولت اسلامی از منظر امام خمینی(ره)» (۱۳۸۸) و مقاله «روحانیت شیعه و کارکردهای آن در اندیشه امام خمینی(ره)» (۱۳۸۷) اشاره کرد.

۲- روش تحلیل مضمون

تحلیل مضمون[1] یکی از شیوه‌های کارآمد متن‌پژوهی مبتنی بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنادار موجود در داده‌های کیفی است که منجر به تسهیل جست‌وجوی الگوهای موجود در متن می‌شود. این روش در حداقل خود، داده‌ها را سازماندهی نموده و آن‌ها را در قالب جزئیات توصیف می‌کند اما می‌تواند از این هم فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر نموده و داده‌های پراکنده و متنوع را تبدیل به داده‌های غنی و تفصیلی کند (Braun & Clarke, 2006: 78). مطابق روش تحلیل مضمون ابتدا داده‌های متن کاهش یافته و سپس بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌شوند و در نهایت به نحوی بازسازی و بازتنظیم می‌شوند که منجر به استخراج مفاهیم مهم موجود در

1. Thematic analysis

مجموعه‌ای جدید از داده‌ها شود. در نتیجه استفاده از این روش می‌توان به فهمی جامع و عمیق از داده‌ها و محتوای مورد بررسی دست یافت. در این راستا پژوهشگر برای یافتن الگوهای معنادار در میان داده‌ها، باید کل داده‌ها و متون مرتبط را بررسی و مرور کند (حسین‌عسکری، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

به طور ایده‌آل تحلیل مضمون هم به الگوهای مشترک میان داده‌ها و هم به جنبه‌های زمینه‌ای پدیده مورد مطالعه در میان داده‌های مختلف توجه می‌کند و به چالش پژوهشگران جهت ارائه یافته‌های خود به صورت معنادار و مفید کمک می‌کند (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹: ۷۹). از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های روش تحلیل مضمون می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ✓ عدم وابستگی به وجود چارچوب نظری از قبل؛
- ✓ کارکرد ویژه برای کم کردن حجم انبوه اطلاعات و طبقه‌بندی آن‌ها ذیل مضامین اصلی و کلیدی؛
- ✓ روشی رایج، منعطف و دارای فرآیندی پایه و قابل استفاده در اکثر روش‌های کیفی؛
- ✓ بررسی دقیق متون و داده‌ها و ایجاد درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛
- ✓ تأکید بر غوطه‌وری و بازنگری در داده‌ها برای شکل‌دهی مضامین اصلی و فرعی (قاسمی، ۱۳۹۹: ۵۲۶؛ Braun & Clarke, 2006).

۳- فرآیند و مراحل اجرای روش تحلیل مضمون در تحقیق

در روش تحلیل مضمون ابتدا داده‌ها جمع‌آوری می‌گردند. در پژوهش حاضر جمع‌آوری داده‌های مرتبط از چند طریق صورت گرفته است. بدین صورت که در ابتدا کلید واژه‌های مرتبط با بحث گردآوری و تدوین شدند و سپس براساس این کلید واژه‌ها، به جست‌وجو پرداخته شد. در روش دیگر نیز فهرست عناوین سخنرانی‌ها، جلسات، نامه‌ها و... مورد بررسی قرار گرفته و هر آنچه که مربوط به حوزه و روحانیت می‌شد با دقت بیشتر مورد مطالعه قرار گرفتند. در روش سوم با مطالعه کتب، مقالات، سایت‌های تخصصی حوزه و روحانیت (مانند شبکه اجتهاد، خبرگزاری حوزه، مباحثات، منهاج، اندیشه قم و...)، پایان‌نامه‌ها و... سعی در تکمیل داده‌های بحث گردید. در همه مراحل از راهنمایی اساتید و خبرگان این حوزه بهره گرفته شد.

پس از گردآوری داده‌ها از منابع معتبر، نوبت به مطالعه اصل داده‌ها و اطلاعات می‌رسد تا عبارات و مضامین آن‌ها براساس مکتب و رویکرد منتخب پژوهش استخراج گردد. توضیح آنکه

مکاتب، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی در تحلیل مضمون وجود دارد. در روش تحلیل مضمون سه مکتب «کدگذاری پایا»[1]، «کتابچه کد»[2] و «تحلیل مضمون بازتابی»[3] وجود دارد که ذیل هر یک از آن‌ها نیز رویکردهای مختلفی به چشم می‌خورد. این رویکردها غالباً با مفهوم‌سازی متمایز و گاهی کاملاً متفاوت از چیستی مضمون، روش‌های شناسایی و توسعه مضمون و انجام کدگذاری از هم تشخیص داده می‌شوند (Braun & Clarke, 2019: 125). در پژوهش حاضر، از مکتب تحلیل مضمون بازتابی و رویکرد شش مرحله‌ای براون و کلارک استفاده شده است. تحلیل مضمون بازتابی یک فرآیند شش مرحله‌ای شامل آشنایی با داده‌ها[4]، ایجاد کدهای اولیه[5]، جست‌وجوی مضامین[6]، بازنگری مضامین[7]، تعریف و نامگذاری مضامین[8] و درنهایت تدوین گزارش[9] است. هرچند مراحل مذکور پشت سرهم و متوالی است و هر مرحله مبتنی بر مرحله قبلی شکل می‌گیرد، اما تحلیل مضمون فرآیندی بازگشتی[10] است که در آن حرکت رفت و برگشتی بین مراحل ذکر شده وجود دارد (Braun & Clarke, 2006: 86).

به‌لحاظ رویکرد و گرایش نیز رویکردهای متفاوت و متعددی وجود دارد. برخی پژوهشگران مضامین را به‌لحاظ ماهیت و برخی دیگر به‌لحاظ جایگاه و سلسله‌مراتب آن‌ها در تحلیل مضمون، دسته‌بندی کرده‌اند به‌نحوی‌که حدود ۱۴ دیدگاه در این زمینه ذکر شده است[11] (رک: شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹: ۳۵-۴۷). مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که در این پژوهش بدان توجه شده و مورد استفاده قرار گرفته عبارت‌اند از دیدگاه جایگاه مضمون در شبکه مضامین[12] و انتخاب دیدگاه مضمون استقرایی (مبتنی‌بر داده)[13] در مقابل مضمون قیاسی (مبتنی‌بر نظریه)[14].

1. Coding reliability
2. Codebook
3. Reflexive
4. Familiarizing Yourself with Your Data
5. Initial Codes
6. Searching for Themes
7. Reviewing Themes
8. Defining and naming themes
9. Producing the report
10. Recursive

۱۱. دیدگاه مضمون استقرایی یا مضمون قیاسی، دیدگاه مضامین مشهود یا مضامین پنهان، دیدگاه سؤال‌های اکتشافی و کلان یا سؤال‌های توصیفی و خرد، دیدگاه واقع‌گرایانه و دیگاه ساخت‌گرا، دیدگاه جایگاه مضمون در شبکه مضامین: پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، دیدگاه ماهیت مضمون در متن: توصیفی، تفسیری و رابطه‌ای، دیدگاه زمان شناخت مضمون: اولیه و نهایی، دیدگاه منشأ شناسایی مضمون: داده‌محور و نظریه‌محور و... .

12. Thematic Network
13. Inductive (Data-driven)
14. Deductive (Theory-driven)

رویکرد شبکه مضامین که توسط آتراید استرلینگ[1] در سال ۲۰۰۱ مطرح گردیده است، ذیل مکاتب گوناگون تحلیل مضمون بکار می‌رود. انچه شبکه مضامین ارائه می‌کند یک نقشه شبیه تارنما به‌عنوان یک اصل سازمان‌دهنده و یک شیوه نمایش است. در رابطه با دیدگاه جایگاه مضمون در شبکه مضامین باید گفت که داده‌های گردآوری شده از منابع داده‌ای مختلف به بخش‌هایی تقسیم می‌شوند که کوچکترین واحد داده برای شناخت، کد و مضمون است؛ در واقع از بخش‌های داده‌ای کدهایی استخراج می‌شوند و براساس کدها مضامین سطح اول استخراج می‌گردند که به عنوان مضامین پایه[2] نامگذاری می‌شوند. مضامین پایه مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن مرتبط با سؤال تحقیق هستند که با ترکیب آن‌ها مضمون سازمان‌دهنده[3] ایجاد می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه و واسط میان مضامین پایه و مضامین فراگیر[4] شبکه هستند. مضامین فراگیر نیز مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل هستند که در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرند(بیک خورمیزی، ۱۴۰۰: ۶۶-۶۷). فرآیند تحلیل شبکه مضمون شامل سه مرحله، شش گام و ۲۰ اقدام است که در جدول (۱) مشاهده می‌شود:

جدول ۱. فرآیند گام به گام تحلیل مضمون مطابق با روش تحلیل شبکه مضامین

مرحله	گام	اقدام
۱- تجزیه و توصیف متن	۱- آشنا شدن با متن	✓ جمع‌آوری و پیاده‌سازی داده‌ها (در صورت لزوم) ✓ مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها ✓ نوشتن ایده‌های اولیه
	۲- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	✓ پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین ✓ تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر ✓ کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳- جست‌وجو و شناخت مضامین	✓ تطبیق کدها با قالب مضامین ✓ استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده متن ✓ پالایش و بازبینی مضامین
۲- تشریح و تفسیر متن	۴- ترسیم شبکه مضامین	✓ بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج ✓ مرتب کردن مضامین ✓ انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ✓ ترسیم نقشه(های) مضامین ✓ اصلاح و تأیید شبکه(های) مضامین
	۵- تحلیل شبکه مضامین	✓ تعریف و نامگذاری مضامین ✓ توصیف و توضیح شبکه مضامین
۳- ترکیب و ادغام متن	۶- تدوین گزارش	✓ تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح مضامین ✓ استخراج نمونه‌های جالب و مورد توجه از داده‌ها ✓ مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات پژوهش و مبانی نظری ✓ نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

منبع: (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۸)

1. Attride-Stirling
2. Basic
3. Organizing
4. Global

همچنین در فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین در این پژوهش از گرایش استقرایی استفاده شده است که طی آن پژوهشگر فرآیند تحلیل را از داده‌ها آغاز و از پایین به بالا کار می‌کند تا معانی را بدون تحمیل ایده‌ها شناسایی کند (Therry & etc, 2017).

نکته پایانی در این بخش اینکه در بررسی فرمایشات حضرت امام(ره) و استخراج مضامین پایه از آن‌ها، رویکرد ترتیبی و زمانی لحاظ گردیده است یعنی بیانات، پیام‌ها و مکتوبات به ترتیب زمانی مورد بررسی قرار گرفته و مضامین پایه آن‌ها استخراج شده است، هرچند درنهایت شبکه مضامین براساس سیر موضوعی و مضامین مستخرج دسته‌بندی می‌گردند.

٤- مضامین مرتبط با اقتصاد حوزه در اندیشه حضرت امام(ره)

با توجه به آنچه که در بخش قبل بیان گردید، در این بخش تنها به مراحل اصلی فرآیند استخراج مضامین از بیانات، پیام‌ها و مکتوبات حضرت امام(ره) که عبارت‌اند از تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و ترکیب و ادغام متن (نک: جدول۱) اشاره می‌شود. همان‌گونه که تشریح گردید مرحله نخست خود دارای سه گام اصلی است که عبارت‌اند از آشنایی با متن، ایجادکدهای اولیه و درنهایت جست‌وجو و شناسایی مضامین. بنابر آنچه در بخش روش تحقیق بیان گردید، برای گردآوری فرمایشات حضرت امام(ره) در رابطه با حوزه و روحانیت علاوه‌بر جست‌وجو در فرمایشات حضرت امام(ره) با کلیدواژه‌های مربوط به حوزه و روحانیت، فهرست ۲۲ جلد از صحیفه امام(ره) مورد بررسی قرار گرفت و متن هر فرمایشی که احتمال داده می‌شد مطالب مرتبطی با موضوع پژوهش داشته باشد، مورد مطالعه قرار گرفت. درنهایت نیز چند جلد کتاب و تعدادی مقاله که در بخش پیشینه پژوهش به آن‌ها اشاره گردید مورد بررسی قرار گرفتند تا مباحث مغفول شناسایی شده و داده‌ها و نکات تکمیلی اضافه گردد.

پس از استخراج ایده‌ها و کدهای اولیه حین جمع‌آوری داده‌ها و مطالعه اولیه آن‌ها، اقدامات لازم برای ایجاد کدهای اولیه مانند تهیه قالب مضامین، تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر، کدگذاری داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفت. نهایتاً گام سوم این مرحله یعنی جست‌وجو و شناسایی مضامین پس از طی اقداماتی مانند تطبیق کدها با قالب مضامین، استخراج مضامین پایه از بخش‌های کدگذاری شده و نهایتاً پالایش و بازبینی مضامین اولیه به‌دست‌آمده،

تکمیل گردید. در جدول (۲) به‌عنوان نمونه به برخی نتایج حاصل‌شده از انجام گام‌های فوق در مرحله اول روش شبکه مضامین اشاره شده است.

جدول ۲. نمونه‌هایی از روند انتزاع مضامین پایه از گزاره‌های منتخب از بیانات، پیام‌ها و مکتوبات حضرت امام

گزاره منتخب	منبع	مضمون پایه
حالا تازه وزارت اوقاف هم آقایان می‌خواهند درستش کنند! به تخیل اینکه تقلید از یک مملکت دیگری؛ به تخیل اینکه روحانیت را تحت وزارتخانه ببرند. این خواب را به گور می‌برید- ان شاءالله. شما خیال می‌کنید که روحانیت اسلام را می‌شود مثل روحانیت مسیح کرد؟ هیچ امکان ندارد این. روحانیت شیعه مستقل است، مستقل؛ اتکا به هیچ جا ندارد. بیایند بگویند به کی اتکا دارد.	صحیفه امام، ج۱، ص۳۹۰	✓ مخالفت با اینکه روحانیت را تحت وزارتخانه ببرند. ✓ استقلال روحانیت شیعه و عدم اتکا به سایر نهادها ✓ تفاوت روحانیت اسلام با روحانیت مسیح (در استقلال و وابستگی)
یک طایفه از علما این‌ها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطینی. با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق این‌ها متصل شده‌اند به یک سلاطینی، و این سلاطین را وادار کرده‌اند خواهی نخواهی- برای ترویج مذهب، مذهب دیانت، مذهب تشیع. این‌ها اخوند درباری نبودند.	صحیفه امام، ج۳، ص۲۴۰	✓ اتصال برخی علما به سلاطین برای ترویج مذهب ✓ عدم وابستگی (آخوند درباری نبودند!)
و من از حوزه‌های علمیه و از علمای اعلامی که در بلاد هستند و از فضلایی که در حوزه‌ها هستند، از آن‌ها می‌خواهم که در این امور، در امور قضایی و در امور دادگستری به این کشور کمک کنند. و حوزه‌ها می‌توانند در عین حالی که حوزه بقایش هست و باید باشد، می‌توانند عده به مقداری که احتیاج هست به قضای، تحویل بدهند قاضی را، تربیت کنند قاضی را. این یک امر مهمی است برای اسلام و برای مسلمین. اعراض مردم دست قضات است؛ باید آن‌ها را، هم تعلیم کنند و هم تربیت کنند تا بیایند و خدمت کنند به این کشور. و تمام اشخاصی که هستند و هستیم و هستید شما، تمام ما مسئول هستیم.	صحیفه امام، ج۱۷، ص۲۳۹	✓ درخواست از حوزه‌های علمیه و علما برای کمک به کشور در امور قضایی و دادگستری ✓ تربیت قاضی مورد نیاز کشور ✓ مسئولیت روحانیت در توجه به نیازهای کشور و تلاش برای رفع آن‌ها
علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه داران و پول پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه داران در یک کاسه است.	صحیفه امام، ج۲۱، ص۲۷۶	✓ حفظ شرافت و استقلال ✓ نرفتن علمای اصیل اسلام زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین
خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهمتر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از اینکه روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاهت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است.	صحیفه امام، ج۲۱، ص۲۷۷	✓ عدم وابستگی به قدرت‌ها ✓ احساس مسئولیت در برابر توده‌های مردم ✓ ارائه خدمات علیرغم کمی امکانات
بار دیگر به فرزندان خوب و انقلابی‌ام سفارش می‌کنم که شورای مدیریت حوزه علمیه قم مورد تایید اینجانب می‌باشند. سعی کنند تندروی نکنند که تندروی باعث شکست خودشان می‌گردد .باید طلاب جوان اساتید محترم حوزه را که در خدمت انقلاب و اسلام و علوم اسلامی می‌باشند یاری کنند تا انان بتوانند به هدفهای مهم تعلیم و تربیت برسند. شورای مدیریت و اساتید عزیز هم توجه داشته باشند که بدون طلاب انقلابی به هیچ یک از خواسته‌های مشروع خود نخواهند رسید.	صحیفه امام، ج۲۱، ص۳۸۰	✓ تأیید شورای مدیریت حوزه قم ✓ یاری رساندن طلاب جوان به اساتید حوزه برای خدمت به انقلاب و اسلام ✓ استفاده شورای مدیریت از توان و نیروی طلاب انقلابی
در هر صورت وصیت اینجانب ان است که در همه اعصار خصوصا در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوّت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است؛ که علما و مدرسین و افاضل عظیم الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصا حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از اسیب حفظ نمایند.	صحیفه امام، ج۲۱، ص۴۲۵	✓ لازم و ضروری بودن قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها ✓ لزوم برنامه‌ریزی دقیق و صحیح و صرف وقت برای حفظ حوزه‌ها از اسیب‌ها ✓ مشارکت علما و مدرسین در برنامه‌ریزی

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله دوم، شبکه مضامین ترسیم شده و تحلیل می‌گردد. در این مرحله همخوانی مضامین با کدهای استخراج شده بررسی و کنترل می‌گردد و مضامین مرتب می‌گردند. سپس مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انتخاب شده و نقشه‌های مضامین ترسیم می‌شود. در همه مراحل از جمله این مرحله اساسی، شبکه‌های مضامین مورد اصلاح و تأیید قرار می‌گیرند. در نتیجه انجام مراحل

تحلیل مضمون، چهار مضمون فراگیر با عناوین «منابع تامین مالی حوزه‌های علمیه»، «استقلال و عدم وابستگی»، «حمایت و پشتیبانی حوزه از نظام و دولت» و «مدیریت و برنامه‌ریزی» استخراج گردید. ذیل هر یک از مضامین فراگیر نیز مضامین سازمان‌دهنده متعددی وجود دارد که در جدول ۳ بخشی از نتایج حاصل از استخراج و شناسایی مضمون فراگیر «منابع تأمین مالی حوزه‌های علمیه» و مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با آن به نمایش درآمده است.

جدول ۳. مضمون فراگیر ۱: منابع تأمین مالی حوزه‌های علمیه

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	منبع
جواز استفاده از وجوهات شرعیه	✓ استفاده از زکات و نصف سهم امام(ع)	ج ۲، ص ۴۶۴
	✓ اجازه صرف سهمین جهت ساختن مدرسه علمیه (بابل)	ج ۱۹، ص ۳۸۱
	✓ استفاده از سهم امام (ع) در ترمیم و بازسازی مدرسه علوم دینی	ج ۲۰، ص ۶۲
	✓ اجازه به استفاده از سهم امام(ع) برای سازمان تبلیغات اسلامی	ج ۲۱، ص ۲۷۰
	✓ پرداخت شهریه از وجوه	ج ۲۱، ص ۵۰۲
	✓ صرف نصف سهم امام(ع) در مصارف مدرسه علمیه	ج ۲۱، ص ۵۶۱
	✓ موافقت با صرف وجوهات برای ساختن مدرسه علمیه (فردوس)	ج ۲۱، ص ۶۰۳
جواز استفاده از کمک‌های دولتی	✓ اجازه کمک مالی به اتاق بازرگانی برای ساخت مدرسه علمیه	ج ۱۸، ص ۴۰۶
	✓ تأمین هزینه‌های شورای سرپرستی طلاب غیرایرانی از محل درامد کارخانه متعلق به دولت	ج ۱۸، ص ۴۸۸
	✓ استفاده از دارایی بنیاد مستضعفان برای ساختمان تعلیمات اسلامی خواهران	ج ۱۸، ص ۵۲۷
	✓ احداث ساختمان کتابخانه ایشان توسط جهاد در قم	ج ۲۱، ص ۳۴۶
جواز استفاده از اموال مصادره‌ای	✓ استفاده از اموال مصادره‌ای از خاندان پهلوی برای ساختمان تعلیمات اسلامی خواهران	ج ۱۸، ص ۵۲۷
	✓ اجازه تأمین مالی سازمان تبلیغات از اموال مصادره‌ای	ج ۱۹، ص ۲۵۹
	✓ تخصیص بخشی از اموال مصادره‌ای رژیم پهلوی به دفتر تبلیغات اسلامی قم	ج ۱۹، ص ۴۹۴
جواز استفاده از اوقاف	✓ موافقت با صرف درآمد ملک موقوفه به مخارج مدرسه علمیه خواهران (کرمان) ✓ موافقت با صرف درآمد ملک موقوفه برای طلاب	ج ۲۱، ص ۲۲۹
	✓ اجازه به استفاده از اوقاف قابل صرف در سازمان تبلیغات اسلامی	ج ۲۱، ص ۲۷۰
ملاحظات شرعی و قانونی	✓ لزوم توجه به قوانین در اخذ کمک‌های نهادها	ج ۱۸، ص ۴۰۶
	✓ لزوم توجه به موازین شرعی در اخذ کمک‌های دولتی	ج ۱۸، ص ۴۸۸
	✓ پرهیز از تشریفات که سبب شکست روحانیت می‌شود	ج ۱۹، ص ۴۲
	✓ استفاده از اموال مصادره‌ای به مقدار رفع ضرورت	ج ۱۹، ص ۲۵۹

تدوین گزارش آخرین مرحله از روش تحلیل مضمون است که طی آن به تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح مضامین پرداخته می‌شود. همانگونه که در بخش قبل مشاهده گردید، در نتیجه تحلیل مضمون صورت گرفته بر روی اسناد بالادستی در رابطه با مبانی تأمین مالی حوزه علمیه، چهار مضمون فراگیر استخراج گردید که در ادامه ذیل عنوان یافته‌های پژوهش بدان اشاره می‌شود.

یافته‌های پژوهش

۱-۵- حمایت و پشتیبانی حوزه از نظام و دولت

هرچند پیش از انقلاب مهم‌ترین رسالت حوزه ترویج دین در جامعه دانسته و تمام تلاش حوزه صرف دوری از سیاست می‌شد، اما امام خمینی(ره) بر عدم انفکاک سیاست و دیانت تأکید می‌کرد و از حوزویان که متولیان دین در جامعه بودند انتظار داشت تا با رویکرد امتزاج دین و سیاست به‌دنبال حل مسائل جامعه باشند. حضرت امام(ره) ضمن اشتباه دانستن تفکر جدایی دین از سیاست و مذمت آن، به تلاش دشمن برای القای شعار جدایی دین از سیاست در حوزه و روحانیت تأکید نموده و نسبت به انزوای روحانیون در کنج حوزه‌ها انذار می‌دادند: «برادران عزیز من، فرزندان اسلام! توجه داشته باشید که باز یک جریانی در کار است شما را منعزل کنند از این امری که در او هستید. مبادا گروه‌ها یا آن‌هایی که نمی‌خواهند روحانیون در این کشورها نفس بکشند شما را اغفال کنند و برگردانند به کنج‌های مدارس و منزوی کنند در حجره‌ها! شما همان طوری که علم باید بیاموزید و تقوا در رأس برنامه شما باشد، [در] مهیا بودن از برای دخالت در امور سیاسی و امور اجتماعی و دخالت در مشکلات مسلمین و حاضر بودن از برای دفاع از کشور اسلامی هم باید کوشش کنید.» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۱۶۸). حضور روحانیت در عرصه سیاست، تنها به حضور علمی و نظارتی محدود نیست، بلکه حضور عملی روحانیت در برخی مناصب و عهده‌دار شدن برخی از مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز گاه لازم است. درواقع اگر در روایات، عالمان دینی به عنوان وارثان انبیاء معرفی شده‌اند، این وراثت، تنها در عرصه علمی و تبیین احکام دین، خلاصه نمی‌شود و همان‌گونه که انبیای الهی مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی را بر عهده داشتند، عالمان دینی نیز، باید مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی را بر عهده گرفته و به نقش آفرینی بپردازند (مجتبی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۳).

ایشان حتی از غفلت روحانیون سایر کشورها از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در تشکیل حکومت اسلامی، ابراز تعجب نموده و معتقدند که روحانیت نباید تنها به ذکر مسائل روز اکتفاء نموده و نسبت به امور سیاسی و اجتماعی بی‌تفاوت باشد؛ ایشان درواقع دخالت و تأثیرگذاری در امور سیاسی را از نشانه‌های اقتدار روحانیت شیعه می‌دانند: «روحانیت کشور ایران

فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا ننموده است و با دخالت در مهم‌ترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی‌تعهد و علم فروشان بی‌عمل باشد وتعجب است که چگونه بسیاری از علما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملت‌ها را درک نمی‌کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزش‌های وحی بیخبرند»(صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۳۶).

حضرت امام(ره) معتقدند که نظام و حوزه و روحانیت به یکدیگر متصل هستند و موفقیت دولت و روحانیت در گرو همکاری و اتحاد با یکدیگر است. از این‌رو ایشان حمایت از جمهوری اسلامی و تلاش برای حفظ آن را بر روحانیت واجب می‌دانند: «اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است.» (ج ۱۵: ۳۲۹). ایشان در موارد متعددی به نیازهای نظام به حوزه‌های علمیه اشاره نموده و با توجه به عقیده فوق، دستور به حمایت و پشتیبانی حوزه از نظام و دولت نموده‌اند. حضرت امام(ره) مهم‌ترین مصادیق نیازهای نظام جمهوری اسلامی به حوزه‌های علمیه را در مواردی مانند تربیت نیروهای انسانی مورد نیاز نظام از جمله تربیت قاضی دانسته و به وظیفه حوزه‌ها در رفع نواقص جمهوری اسلامی و تکمیل آن‌ها تأکید می‌نمایند: «من امیدوارم که همه علمای بلادی که در سرتاسر ایران هستند و تمام حوزه‌هایی که در سرتاسر ایران هستند، این‌ها این جمهوری را که از خودشان می‌دانند، آن چیزهایی که نقص وارد می‌شود در این‌ها و احساس می‌کنند که ناقص است، جدیت کنند کامل بشود. کشور امروز مال خود شماست و خود شما باید اداره کنید. قوه قضاییه امروز قوه قضاییه اسلامی است و رو به اسلام دارد می‌رود و باید خود علمای اسلام این را تقویت کنند، و افراد را بفرستند.» (ج ۱۸: ۲۲۱). ایشان حتی به اشتباه بودن تفکر و خیال عدم لزوم دخالت روحانیت در امور اجرایی کشور اذعان نموده و بر لزوم دخالت روحانیت در امور اجرایی و وظیفه بودن گرفتن مقام و سِمت‌های اجرایی مادامی که احکام اسلام پیاده نشده باشد، تأکید می‌نمایند: «پیش از انقلاب من خیال می‌کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند. لذا، بارها گفتم: روحانیون می‌روند کارهای

خودشان را انجام می‌دهند. بعد دیدم خیر، اکثر آن‌ها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده‌ام درست نبوده است. آمدم صریحاً اعلام کردم: من اشتباه کرده‌ام.» (ج ۱۸: ۲۴۱). به تعبیر دیگر، حضرت امام(ره) با وجود این که مسئولیت روحانیت را بالاتر از مسائل اجرایی می‌دانستند، لکن به خاطر اهمیت حفظ اسلام و نظام اسلامی و به منظور جلوگیری از انحراف در مسیر نظام، با حضور روحانیت در برخی مسئولیت‌ها موافقت نموده و فرمودند: «من از ابتدا همین مطلب را می‌گفتم که علما شأن شان نیست مسئولیت دولتی بپذیرند. خیال می‌کردم که بدون آن‌ها کارها درست می‌شود، ولی پس از مدتی دیدم که اگر به این وضع باقی بمانیم، اصل اسلام هم در خطر می‌افتد. و از آن مبنای اول برگشتم. تا مادامی که این‌ها اشخاص صالح را به جای خود پیدا نکرده‌اند، باید باشند.» (ج ۱۸: ۱۰۱).

مسئله دیگر که در فرمایشات حضرت امام(ره) به چشم می‌خورد این است که هرچند ایشان در اغلب موارد به بحث حمایت حوزه و روحانیت از نظام اشاره کرده‌اند، اما در مواردی هم بحث حمایت از دولت را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه ایشان در دیدار با جمعی از علما و روحانیون می‌فرمایند: «دولت باید به قدرت خودش باقی باشد. و امروز دولت، دولت اسلامی است و بر همه ماها فریضه است که از این دولت اسلامی پشتیبانی بکنیم.» (ج ۱۶: ۳۴۸). به‌عنوان نمونه دیگر حضرت امام(ره) در سخنرانی در جمع ائمه جمعه استان زنجان به وجوب حفظ دولت و حمایت از آن تأکید می‌نمایند: «امروز حفظ این دولت واجب است؛ یعنی، یک واجب شرعی است، برای ما امروزه همان طوری که رفع آن فساد واجب بود، حفظ این دولت هم الآن واجب است. آقایان اگر یک وقتی - همه علمای بلاد را عرض می‌کنم خصوصاً، ائمه جمعه که خوب، هفته‌ای یک دفعه عمومی صحبت می‌کنند - اگر یک وقت پیشامدی کرد، از استاندار یک جایی، از رئیس دیگر یک جایی یک گله‌ای دارند، حل کنند خودشان، پی‌اش هم به مقامات مربوطه رجوع کنند، به مردم نروند بگویند که مردم، این چه کرده، او چه کرده است. این اسباب تضعیف می‌شود و امروز صلاح ما نیست که ما یک همچو دولتی که دارد با جان و دل برای مردم خدمت می‌کند [تضعیف کنیم]، البته هر خدمتگزاری یک اشتباهاتی هم گاهی دارد، همیشه همین‌طور بوده است.» (ج ۱۶: ۳۰۴). سایر مصادیق این ادعا را می‌توان در مضامین پایه مستخرج از فرمایشات ایشان که در جدول ۴ به نمایش درآمده است مشاهده نمود.

جدول ۴. مضامین پایه مرتبط با حمایت و پشتیبانی حوزه از دولت

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	منبع
حمایت و پشتیبانی حوزه از دولت	✓ دخالت در سیاست و امور کشور	ج ۶، ص ۲۸۹
	✓ توطئه حذف روحانیت از مدیریت امور	ج ۱۳، ص ۳۵۹
	✓ حضور روحانیت در دستگاه‌های اجرایی مانند دادگاه‌ها، کمیته‌ها و جهاد سازندگی	ج ۱۴، ص ۷۵
	✓ منعزل نشدن از امور کشور	ج ۱۴، ص ۱۸۶
	✓ دخالت و کمک به دولت در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین	ج ۱۵، ص ۲۱۲
	✓ ارتباط با مقامات دولتی و حمایت از آن‌ها ✓ وجوب حفظ دولت و حمایت از آن	ج ۱۶، ص ۳۰۴
	✓ فریضه بودن پشتیبانی از دولت	ج ۱۶، ص ۳۴۸
	✓ همکاری و همراهی با دولت و تقویت استاندارها	ج ۱۸، ص ۱۹۷
	✓ دخالت حوزه در مدیریت کشور	ج ۱۸، ص ۲۲۱
	✓ اشتباه بودن تفکر و خیال عدم لزوم دخالت روحانیت در امور اجرایی کشور ✓ لزوم دخالت روحانیت در امور اجرایی ✓ وظیفه بودن گرفتن پست‌های اجرایی مادامی که احکام اسلام پیاده نشده باشد	ج ۱۸، ص ۲۴۱
	✓ حضور در دولت ✓ روحانی بودن بسیاری از سفرا و دولت	ج ۱۹، ص ۴۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نکته پایانی در این مضمون فراگیر نیز اینکه ایشان ملاحظات مهمی را در رابطه با این مهم گوشزد می‌نمایند؛ از جمله عدم دخالت روحانیت در اموری که تخصص آن را ندارند، پرهیز از تضعیف دولت و مقامات دولتی و پیگیری امور و نواقص از طریق مقامات بالادستی، عدم دخالت مستقیم در کارهایی که به دیگران محول شده است و کفایت در ارشاد آن‌ها، دنبال پست و مقام نبودن، همکاری و همراهی با دولت و تقویت استاندارها و... مضامین پایه مرتبط با مضمون سازمان‌دهنده «ملاحظات همکاری حوزه با نظام و دولت» ذیل مضمون فراگیر «حمایت و پشتیبانی حوزه از نظام و دولت» در جدول(۵) مطرح شده است.

جدول ۵. مضامین پایه مرتبط با ملاحظات همکاری حوزه با نظام و دولت

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	منبع
ملاحظات همکاری حوزه با نظام و دولت	✓ روحانی نمی‌خواهد دولت باشد اما خارج از دولت نیست. نه دولت است، نه خارج از دولت	ج ۱۱، ص ۴۶۶
	✓ پرهیز از دخالت مستقیم روحانیون در اموری که صلاحیت آن را ندارند ✓ تلاش دشمن برای منزوی کردن روحانیت در نتیجه دخالت‌های نادرست	ج ۱۴، ص ۷۵
	✓ ارشاد، موعظه حسنه و تربیت خطاکاران در بدنه دولت و نظام ✓ پرهیز از عیب‌جویی و بدگویی متصدیان امور ✓ برخورد با رحمت و عطوف با جمهوری اسلامی و متصدیان امور	ج ۱۴، ص ۲۱۷
	✓ پرهیز روحانیون از تضعیف دولت و پیگیری امور و نقائص از طریق مقامات بالادستی	ج ۱۶، ص ۳۰۴
	✓ عدم دخالت بیخود و بیجای روحانیت ✓ عدم مقابله مستقیم و تضعیف دولت توسط روحانیون ✓ بیان مشکلات و اشتباهات دولت از طریق خصوصی و پیگیری از مصادر امور	ج ۱۶، ص ۳۴۸
	✓ عدم دخالت مستقیم در کارهایی که به دیگران محول شده است و کفایت در ارشاد آن‌ها ✓ عدم تضعیف مقامات دولتی	ج ۱۶، ص ۳۴۹
	✓ به‌دنبال خدمت بودن روحانیون نه دنبال مقام بودن	ج ۱۷، ص ۲۲۷
	✓ غافل نشدن حوزه‌ها از اشتغال به علوم رایج اسلامی خصوصاً فقه و مبادی آن	ج ۱۷، ص ۳۲۵
	✓ واسطه بودن روحانیت (امامت جمعه) در ارتباط با ملت و مجلس و دولت	ج ۱۸، ص ۱۹۵
	✓ شانه خالی نکردن روحانیت از مسئولیت‌ها ✓ همکاری و همراهی با دولت و تقویت استانداری‌ها	ج ۱۸، ص ۱۹۷
	✓ پرهیز از دخالت بی‌مورد ائمه جمعه و علمای بلاد در امور دولت ✓ روحانیون باید وضعی ارشادی داشته باشند، نه اینکه بخواهند حکومت کنند ✓ پرهیز از تضعیف دولت	ج ۱۹، ص ۴۳
	✓ مقدس و ارزش دانستن کارهای قضایی و اجرایی برای روحانیون ✓ مشغول شدن به کارهای حکومتی برای اجرای حکم خدا	ج ۲۱، ص ۲۹۲

منبع: یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی مباحث این بخش می‌تواند این فرمایش حضرت امام(ره) باشد: «بنابراین اینکه شما سؤال کردید که آیا روحانی می‌خواهد به دولت منضم بشود یا چی؟ نه نمی‌خواهد دولت باشد اما خارج از دولت نیست. نه دولت است، نه خارج از دولت. دولت نیست یعنی نمی‌خواهد برود در کاخ نخست‌وزیری بنشیند و کارهای نخست‌وزیری را بکند. غیر دولت نیست برای اینکه نخست‌وزیر اگر پایش را کنار بگذارد این جلویش را می‌گیرد، می‌تواند بگیرد. بنابراین نقش دارد و نقش ندارد.» (ج ۱۱: ۴۶۶). فلذا حضرت امام(ره) ضمن انذار نسبت به عدم دخالت روحانیت در مسائل نظام، وظیفه روحانیت و حوزه‌های علمیه را حمایت از نظام می‌داند. همچنین همان‌طور که

فرمودند هرچند ابتدا بنای ایشان بر عدم دخالت روحانیون در امور اجرایی و دولتی بود، ولی بعدها که دیدند در عمل اتفاقات و اقدامات مورد نظر ایشان در راستای اهداف مدنظرشان که همان تعالی اسلام و مسلمانان است اتفاق نیافتاد، از نظر اولیه خود برگشتند و دخالت در امور دولتی و گرفتن مقام‌های اجرایی و دولتی را جایز دانستند.

۲-۵- منابع تامین مالی حوزه‌های علمیه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در اندیشه حضرت امام(ره) در مورد اقتصاد حوزه به چشم می‌خورد و از مسائل اصلی این پژوهش نیز محسوب می‌شود، روش‌ها و منابع تأمین مالی حوزه است که مورد تأیید حضرت امام(ره) بوده است. طبق نتایج پژوهش مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از: استفاده از سهم امام(ع)، استفاده از کمک‌های دولتی، استفاده از اموال مصادره‌ای، استفاده از سایر وجوهات شرعیه و استفاده از اوقاف. اکثر این موارد بدین صورت به دست آمده است که طی سال‌های ابتدایی انقلاب تا انتهای زمان حیات ایشان، مسئولان مختلف حوزوی که برای مدیریت مؤسسه، مدرسه، کتابخانه و سایر امور مربوط به مسائل مذهبی خود با مشکل مالی مواجه بوده‌اند، از ایشان برای استفاده از اوقاف، کمک‌های دولتی، اموال مصادره‌ای و... کسب اجازه می‌نمودند. ایشان هم در مواردی که از نظر ایشان جائز بود، با ذکر ملاحظات قانونی و شرعی اجازه استفاده در حد نیاز می‌دادند. به‌عنوان نمونه در نامه‌ای[۱] از حضرت امام(ره) در مورد استفاده از اموال مصادره‌ای رژیم منحوس پهلوی و عمال و وابستگان آن‌ها برای رفع نیازهای سازمان تبلیغات اسلامی سؤال می‌شود که ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «مجازند از آن اموال برای این امر مهم به مقدار رفع ضرورت سازمان تبلیغات اسلامی به این سازمان تحویل دهند (۱۳۶۴/۲/۲۲)».

۱- [از طریق اموال مصادره‌ای با جناب آقای صانعی، دادستان محترم کل کشور صحبت شد و نظر مبارک حضرتعالی که وسیله جناب آقای رسولی ابلاغ شده بود به اطلاعشان رسید. فرمودند حسب قانون اموال مصادره‌ای به تبصره ۸۲ داده می‌شود. لکن اموالی که مربوط به رژیم منحوس پهلوی و عمال و وابستگان آن‌ها بوده و بر اساس حکم حکومتی حضرت امام مصادره شده چون امرش با معظمٌ له است و در آن حکم مقرر فرموده‌اند به نفع مستضعفین مصادره شود، اگر اجازه فرمایند می‌توانیم از آن اموال نیاز سازمان را رفع کرده در جهت رفع استضعاف فکری و نشر معارف و احکام مقدسه اسلام از آن‌ها استفاده کنیم. امید است این مشکل ما هم مانند سایر مشکلات مهم مملکتی به دست مبارک حضرتعالی حل شود. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. - ٦٤/٢/٢١ - احمد جنتی]

مهم‌ترین نکاتی که در این بخش جلب توجه می‌کند و بیشترین فراوانی را نیز به خود اختصاص داده‌اند، یکی موارد اجازه ایشان به استفاده از کمک‌های دولتی است و دیگری نیز مواردی است که حضرت امام(ره) استفاده از سهم امام(ع) را جایز شمرده‌اند. از جمله مواردی‌که در آن حضرت امام(ره) استفاده از کمک‌های دولتی برای رفع نیازهای نهادهای حوزوی را جایز شمره‌اند می‌توان به مواردی مانند اجازه کمک مالی به اتاق بازرگانی برای ساخت مدرسه علمیه (صحیفه امام، ج ۱۸: ۴۰۶)، تأمین هزینه‌های شورای سرپرستی طلاب غیرایرانی از محل درآمد کارخانه متعلق به دولت (ج ۱۸: ۴۸۸)، استفاده از دارایی بنیاد مستضعفان برای ساختمان تعلیمات اسلامی خواهران (ج ۱۸: ۵۲۷)، موافقت با تأمین هزینه مکتب جامعۀ الزهرای قم توسط بنیاد مستضعفان (ج ۱۹: ۲۶۵)، تأمین بودجه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم از محل امکانات در اختیار بنیاد مستضعفان (ج ۲۰: ۱۸۸)، دستور به نخست وزیر برای کمک به احداث ساختمان «کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی» (ج ۲۱: ۳۲۰)، احداث ساختمان «کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی» توسط جهاد در قم (ج ۲۱: ۳۴۶) و... اشاره نمود. از دیگر مواردی‌که به نحوی می‌توان آن‌ها را به این بخش ملحق نمود، مواردی است که ایشان جواز استفاده از اموال مصادره‌ای را برای ساختمان تعلیمات اسلامی خواهران (ج ۱۸: ۵۲۷) و تأمین مالی سازمان تبلیغات (ج ۱۹: ۲۵۹) را صادر نموده‌اند.

همچنین طبق دیگر نتیجه‌ای که از بررسی فرمایشات امام(ره) در این زمینه به دست می‌آید این است که ایشان با صرف سهم امام(ع) در موارد ذیل موافقت نموده‌اند: ساخت منزل برای طلبه‌ها (با استفاده از وجوهی که در اختیار وکلای امام بوده است) (ج ۳: ۲۴)، ساخت مدرسه علمیه (بابل) (ج ۱۹: ۳۸۱)، تعمیر مدرسه علمیه (زرین شهر) (ج ۱۹: ۳۸۲)، ترمیم و بازسازی مدرسه علوم دینی (ج ۲۰: ۶۲)، اجازه به استفاده از وجوهات و اعتبارات در اختیار قوه قضائیه برای تأمین بخشی از هزینه‌های ساخت مسکن طلاب (مشهد) (ج ۲۱: ۱۸۶)، اجازه به استفاده از سهم امام(ع) برای سازمان تبلیغات اسلامی (ج ۲۱: ۲۷۰)، تأمین نیازهای مالی سازمان تبلیغات اسلامی از محل از وجوه شرعیه (ج ۲۱: ۳۸۲)، صرف نصف سهم امام(ع) در مصارف مدرسه علمیه (ج ۲۱: ۵۶۱)، موافقت با صرف وجوهات برای ساختن مدرسه علمیه (شهرستان فردوس) (ج ۲۱: ۶۰۳)، اجازه استفاده از سهم امام (ع) در امور مدارس و مکاتب اسلامی پاکستان (ج ۲۱: ۶۱۱). همان‌گونه که

مشاهده می‌شود عمده موارد فوق ناظر به وظایفی است که بر عهده سازمان مدیریت حوزه علمیه است.

البته همان گونه که اشاره شد، ایشان در موارد فوق همواره به لحاظ مسائل شرعی و قانونی تاکید فرموده و درواقع شرط استفاده از وجوهات شرعیه و استفاده از کمک‌های دولتی را مراعات این قیود ذکر نموده‌اند. بنابراین اجازات ایشان در صرف وجوهات شرعی و یا استفاده از کمک‌های دولتی و سایر موارد به‌صورت مطلق نبوده است و ایشان همواره بر مطابقت با شرع و قانون تأکید نموده‌اند. این ملاحظات را می توان در مواردی مانند مراعات جهات شرعی و قانونی، لحاظ میزان ضرورت و احتیاج در استفاده از سهم امام(ع) و سایر اموال، پرهیز از زیاده‌روی و تشریفات در حوزه‌های علمیه و... مشاهده نمود. به‌عنوان نمونه در یکی از موارد یکی از نهادها ضمن ارسال نامه‌ای به حضرت امام(ره) نظر ایشان را در مورد کمک خود به ساخت مدرسه حوزه علمیه خواهران در جوار مدرسه شهیدمطهری تهران جویا می‌شوند که حضرت امام(ره) در پاسخ می‌فرمایند: «در صورتیکه مخالف با مقررات شرع و قانون نباشد مانع ندارد. ۱۳۶۳/۱/۲۷» (ج ۱۸: ۴۰۶).

۳-۵- استقلال و عدم وابستگی

یکی دیگر از مبانی نظری تأمین مالی حوزه علمیه در اندیشه حضرت امام(ره) استقلال روحانیت است. ایشان ضمن اشاره به استقلال روحانیت شیعه در طول زمان، در موارد متعددی وابستگی به مراکز ثروت و قدرت را مذمت نموده‌اند: «آن آخوندهایی که در آن زمان با دستگاه بودند، از مذهب ما نبودند. فقهای اسلام نه تنها اطاعت آن‌ها را نکردند، بلکه مخالفت کردند؛ حبس‌ها رفتند؛ زجرها کشیدند، و اطاعت نکردند. کسی خیال نکند که علمای اسلام در این دستگاه‌ها وارد بوده یا هستند.» (کتاب ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی: تقریر بیانات امام: ۱۴۸). ایشان مطالعه و بررسی زندگی بزرگان حوزه را موید این ادعا می‌دانند. طبق نظر ایشان علمای بزرگ همواره با وابستگی به منابع ثروت و قدرت مخالف و به این مطلب در سیره زندگانی خود پایبند بوده‌اند: «همیشه علمای بزرگ مخالفت می‌کردند؛ با قدرت‌ها همیشه علمای بزرگ مخالفت می‌کردند برای اینکه می‌دیدند که این مخالفین، این قلدرها، بودجه مملکت را خرج عیاشی‌های فرنگشان و کذا می‌کنند؛» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۷۱). ایشان نهایتاً می‌فرمایند که اگر هم موردی در

تاریخ به چشم می‌خورد که خلاف این مدعاست، به اسلام و روحانیت مربوط نیست و شخص خطاکار بوده است: «روحانیت همیشه مخالف با قدرتمندها بوده است. اگر یک وقت شما، مثلاً فرض کنید یک فردی، چند نفری دیدید که سازشی کرده است یا منحرف است، به اسلام مربوط نیست. مکتب [او] این مکتب نیست؛ و یا اینکه یک مقتضیاتی می‌بینند که در این مقتضیات الآن صلاح اینست که این‌طور عمل بکند.» (ج ۴: ۲۲). علاوه براین ایشان به ممنوعیت وابستگی به دولت و حکومت نیز اشاره می‌نمایند.

نکته مهم در این زمینه که باید بدان اشاره نمود این است که هرچند در ظاهر به نظر می‌رسد که استقلال و عدم وابستگی مدنظر حضرت امام، با استفاده از کمک‌های دولتی منافات دارد، ولی بررسی سایر فرمایشات ایشان بیانگر این است که حضرت امام(ره) با این مسئله که حوزه علمیه به‌عنوان بخشی از دولت محسوب شود و از بودجه دولتی بدین صورت بهره‌مند گردند، مخالف هستند. موید این ادعا یکی موارد متعددی است که ایشان با استفاده از کمک‌های دولتی به مؤسسات و مراکز حوزوی موافقت نموده‌اند که در بخش قبل بدان اشاره گردید. موید دیگر نیز فرمایش صریح ایشان در مخالفت با وابستگی سازمانی روحانیت است: «حالا تازه وزارت اوقاف هم آقایان می‌خواهند درستش کنند! به تخیل اینکه تقلید از یک مملکت دیگری؛ به تخیل اینکه روحانیت را تحت وزارتخانه ببرند. ... امکان ندارد که ما بگذاریم که این هم بیاید تحت نظر فلان وزیر و فلان. فلان وزیر غلط می‌کند که همچو حرف‌هایی را می‌زند. اشتباه می‌کنند این‌ها؛ باز هم در اشتباهند.» (ج ۱: ۳۹۰). موید سوم هم دیگر فرمایش ایشان است که صرف اتصال به حکومت، حتی حکومت‌های جور را سرزنش نمی‌کنند بلکه آن اتصالی به حکومت مورد سرزنش ایشان است که منجر به وابستگی و زیر بار ذلت و منت رفتن حکومت شود. حتی به اعتقاد ایشان در مواردی‌که بعضی علما به‌خاطر ترویج دین با سلاطین تعأمل برقرار کرده و از امکانات آن‌ها استفاده نموده‌اند، از خودگذشتگی و ایثار نموده‌اند: «یک طایفه از علما این‌ها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطینی. با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق این‌ها متصل شده‌اند به یک سلاطینی، و این سلاطین را وادار کرده‌اند - خواهی نخواهی - برای ترویج مذهب، مذهب دیانت، مذهب تشیع. این‌ها آخوند درباری نبودند» (ج ۳: ۲۴۰).

البته تفاسیر دیگری نیز از استقلال حوزه از حکومت‌ها از منظر امام(ره) هم وجود دارد. برخی معتقدند که منظور حضرت امام(ره) از عدم ارتباط حوزه‌های علمیه با حکومت این نیست که حوزه حکومت نکند بلکه مراد ایشان آن است که این رابطه طوری نباشد که اگر روزی حکومت نبود، حوزه هم معدوم شود. در واقع طبق این نظر امام(ره) می‌گوید طوری بر اساس این وظایف با حکومت رابطه برقرار کنید و نسبتی را برای خود تعریف کنید که اگر روزی حکومت نبود، کل نهاد روحانیت از بین نرود. روحانیت نهاد تاریخی است. معنای نهاد تاریخی این است که بستر مردمی دارد و منهای حکومت می‌تواند جنبه مالی‌اش را کنترل کند، می‌تواند با مردم ارتباط داشته باشد و نیازهای دینی مردم را پاسخ بدهد. لذا روحانیت نباید همه این کارکردها را در بستر حکومت معنا کند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۵۹).

٤-٥- مدیریت و برنامه‌ریزی

بخشی دیگر از فرمایشات حضرت امام(ره) در رابطه با حوزه و روحانیت به لزوم وجود و تقویت مدیریت متمرکز و ضرورت برنامه‌ریزی تعلق گرفته است. مهم‌ترین تأکید حضرت امام(ره) در این زمینه در وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان آمده است که می‌فرمایند: «در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوّت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است؛ که علماء و مدرسین و افاضل عظیم الشأن صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند» (ج ۲۱: ۴۲۵). ایشان لازمه تحقق این مهم را بهره‌مندی از نظرات و پیشنهادات نظام نخبگانی و اقشار مختلف طلاب می‌دانند: «شورای مدیریت و اساتید عزیز هم توجه داشته باشند که بدون طلاب انقلابی به هیچ یک از خواسته‌های مشروع خود نخواهند رسید.» (ج ۲۱: ۳۸۰) یا در جای دیگر می‌فرمایند: «جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک‌خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرح‌ها و نظریات آنان استقبال نمایند.» (ج ۲۱: ۲۸۸).

نکته دیگری که در این زمینه به چشم می‌خورد، لزوم مدیریت حوزه علمیه توسط خود روحانیون است. ایشان به‌جای احاله موضوع به نهادهای بیرون حوزه، اعتقاد داشتند این کار باید

توسط خود حوزه و خود علما انجام بگیرد (شیرخانی و شیرخانی، ۱۴۰۱: ۲۳۲). در این رابطه اواخر سال ۵۹ اساتیدی از حوزه علمیه قم که به‌دنبال اصلاح و لزوم ایجاد نظم و رسیدگی به اوضاع و جریانات داخلی حوزه بودند، درصدد تشکیل شورای مدیریت بر می‌آیند و از امام(ره) درخواست رهنمود و نظرخواهی می‌کنند. ایشان پاسخ می‌دهد: «شورای مزبور کارهایی را که می‌خواهد انجام دهند، پس از نظرخواهی در امور مهمه از حضرت آیت‌الله گلپایگانی دات برکاته مانعی ندارد. انشاءالله موفق باشید» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۱۶۰). مضامین پایه و سازمان‌دهنده مربوط به مضمون فراگیر «مدیریت و برنامه‌ریزی» در جدول ۶ مشاهده می‌گردد.

جدول ۶. مضامین پایه و سازمان‌دهنده مربوط به با مضمون فراگیر مدیریت و برنامه‌ریزی

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	منبع
لزوم مدیریت قوی و کارآمد	✓ دستور به تشکیل هیات مؤسس و هیات مدیره	ج ۱۹، ص ۲۶۵
	✓ نمایش قدرت مدیریت روحانیت اسلام با دخالت در مهمترین مسائل سیاسی کشور	ج ۲۰، ص ۳۳۶
	✓ آمادگی حوزه و روحانیت برای انجام عکس‌العمل‌های مناسب ✓ آینده‌نگری و پیش‌بینی حوادث	ج ۲۱، ص ۲۹۲
	✓ لازم و ضروری بودن قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها ✓ لزوم صرف وقت برای حفظ حوزه‌ها از آسیب‌ها	ج ۲۱، ص ۴۲۵
لزوم برنامه‌ریزی و آینده‌نگری	✓ آینده‌نگر بودن ✓ تکلیف به نگهبانی از آینده نظام و اسلام علاوه‌بر حفظ وضع فعلی	ج ۱۹، ص ۴۲
	✓ در دست داشتن نبض تفکر و نیاز آینده جامعه توسط حوزه‌ها و روحانیت ✓ آینده‌نگری و پیش‌بینی حوادث	ج ۲۱، ص ۲۹۲
	✓ قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها ✓ مشارکت علما و مدرسین در برنامه‌ریزی برای حفظ حوزه‌ها	ج ۲۱، ص ۴۲۵
	✓ لزوم برنامه‌ریزی دقیق و صحیح برای حفظ حوزه‌ها از آسیب‌ها	ج ۲۱، ص ۴۲۵
بهره‌مندی از نظرات و پیشنهادات طلاب جوان و انقلابی	✓ یاری رساندن طلاب جوان به اساتید حوزه برای خدمت به انقلاب و اسلام	ج ۲۱، ص ۳۸۰
	✓ لزوم استفاده از نظرات طلاب انقلابی	ج ۲۱، ص ۲۸۸

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۵- بحث و بررسی شبکه مضامین

شبکه مضامین فرمایشات حضرت امام(ره) در رابطه با اقتصاد و تأمین مالی حوزه را می‌توان در شکل ۱ مشاهده نمود. نکته مهمی که باید به آن اشاره نمود این است که باید همه این مضامین را با هم در نظر گرفت و اصلاً فلسفه تشکیل شبکه مضامین نیز همین است که همه مسائل مهم و مؤثر

در این رابطه در کنار هم دیده شده و با هم در نظر گرفته شوند. از اینرو استقلال و عـدم وابسـتگی مورد تأکید حضرت امام(ره) را باید در کنار مؤلفه‌هایی مانند جواز ایشان به استفاده از کمک‌هـای دولتی در موارد متعدد در نظر گرفت و با دیدن برخی فرمایشات ایشان مبنی‌بر استقلال حوزه، نباید باب استفاده از کمک‌ها و امکانات دولتی را در مسیر بهره‌مندی حوزه‌های علمیه مسدود نمـود. یـا به‌عنوان نمونه دیگر نباید اجازه ایشان در استفاده از برخی امکانات دولتی برای حوزه‌های علمیـه و همچنین جواز استفاده از وجوهات شرعی در مواردی ماننـد سـاخت و مرمـت مـدارس و همچنـین تأمین نیازهای سازمان تبلیغات را به‌صورت مطلق در نظر گرفت؛ بلکه ایشان همـواره لحـاظ مـوارد قانونی و شرعی در این رابطه را شرط نموده و تأکید کرده‌اند کـه در حـد نیـاز و ضـرورت از ایـن منابع استفاده شود. از اینرو است که برای بررسی مسائل متعـدد و همچنـین لحـاظ مـوارد قـانونی و شرعی، تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی در این راستا نموده و لزوم ایجاد مدیریت مستقل حوزوی را گوشزد نموده‌اند.



شکل ۱. شبکه مضامین مرتبط با اقتصاد حوزه در اندیشه حضرت امام(ره)

منبع: یافته‌های پژوهش

با نگاه اولیه به مضامین فراگیر به‌دست آمده، ارتباط مضامینی مانند منابع مورد تأیید برای استفاده در مخارج حوزه با موضوع پژوهش یعنی مباحث مربوط به اقتصاد و تأمین مالی حوزه از دیدگاه حضرت امام(ره) کاملاً مشخص است. اما در خلال بررسی مسائل اقتصادی و تأمین مالی چند مسئله نمود پیدا می‌کند که ارتباط وثیقی با بحث دارند هرچند شاید اگر به‌صورت مجزا و مستقل در نظر گرفته شوند، بی ارتباط با موضوع به نظر برسند. بحث نخست استقلال و عدم وابستگی حوزه است که هرچند ابعاد مختلفی مانند سیاسی، فرهنگی، علمی و... را در بر می‌گیرد ولی مهم‌ترین بخش آن که در نظام جمهوری اسلامی نمود پیدا کرده و نظرات گوناگونی پیرامون آن مطرح شده، بحث استقلال اقتصادی و دیگر استقلال در مدیریت حوزه‌های علمیه است. یعنی اکثر کسانی که نسبت به استقلال حوزه اظهار نظر نموده‌اند معتقدند که دریافت کمک‌های مالی از نظام و دولت، به استقلال حوزه‌های علمیه و روحانیت ضربه وارد می‌کند و باید از آن اجتناب نمود. چرا که در هر صورت کمک‌های مالی ایجاد علقه و وابستگی کرده و به رویکرد نظارتی و انتقادی روحانیت و روحیه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر آنان ضربه وارد می‌کند.

مسئله دوم مضامین مربوط به نحوه مدیریت حوزه‌های علمیه است که باز به نوعی از همان استقلال حوزه‌های علمیه نشأت می‌گیرد. قائلین به حفظ حوزه سنتی و حفظ استقلال حوزه معتقدند که تشکیل سازمان مدیریت حوزه توسط نظام، امر بدیع و جدیدی است که در تاریخ حوزه‌های علمیه سابقه نداشته است؛ ایشان معتقدند که هرچند بسیاری از حکومت‌ها مانند برخی از پادشاهان صفویه و قاجاریه بنا بر ایمان و عقیده خود یا به سبب مصالحی که در ارتباط با حوزه‌های علمیه و روحانیت می‌دیدند، اقدام به تاسیس مدارس و تأمین بخشی از هزینه‌های آنان می‌کردند، ولی به هیچ عنوان در امور داخلی حوزه و تشکیل نهاد و سازمان روحانیت دولتی اقدام ننموده‌اند و همواره مدیریت حوزه‌ها با مرجع اعلم و یا نهایتاً گروهی از مراجع بوده است و حوزه‌ها ازاین‌جهت همواره استقلال خود را حفظ نموده‌اند. درواقع ایشان باز معتقدند که تشکیل سازمان مدیریت حوزه در نظام جمهوری اسلامی که با تأکید و پیگیری امامین انقلاب اتفاق افتاده است، در هر صورت ملاحظاتی را به‌دنبال دارد که نافی استقلال حوزه است.

مسئله سوم هم که ناظر به هر دو وجه استقلال اقتصادی و استقلال مدیریتی حوزه‌های علمیه است، بحث چگونگی ارتباط حوزه‌های علمیه با نظام و دولت است که آیا اصلاً باید چنین ارتباط

و تعاملی وجود داشته باشد یا خیر!؟ چون با توجه به اینکه تاکنون نظام همسویی با حوزه و روحانیت وجود نداشته است، حوزه‌های علمیه در بسیاری از موارد با حکومت‌ها مخالف بوده‌اند و نهایتاً سعی نموده‌اند که از گشایش‌ها و ظرفیت‌های حکومت‌ها برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند ولی تاکنون چنین نبوده است که نظامی مبتنی‌بر مبانی اسلامی تشکیل شده باشد که حتی از خود حوزه جوشیده و مدیریت بسیاری از امور کلان را بر عهده روحانیت قرار داده باشد. فلذا این دسته از افراد صرفاً با بیان اینکه حوزه سنتی از حکومت‌ها مستقل بوده است، انتظار دارند که در دوره کنونی هم حوزه استقلال خود از نظام را حفظ کند. ایشان همچنین این رویکرد را برای لکه‌دار نشدن دامن روحانیت در قبال نواقص اجرایی حکومت اسلامی که مردم روحانیت را نماینده آن تصور می‌کنند، بهتر می‌دانند.

با توجه به آنچه بیان گردید، در رابطه با منابع تأمین مالی سازمان مدیریت حوزه از جمله استفاده از کمک‌های دولتی و... می‌توان گفت که تامین مراکز عهده‌دار حفظ دین، به عنوان یک واجب کفایی اولی و اقدم بر سایر واجبات، برعهده حاکم است. حال اگر وجوه شرعی به علل گوناگون، تأمین‌کننده نیست، بر عهده دولت اسلامی، ولی فقیه و رهبر مسلمانان است که این مخارج را از راه‌های دیگری از بیت‌المال به معنای عامش تأمین کند (غرویان ۱۳۷۷).[۱] نکته‌ای که در این زمینه می‌توان مطرح نمود و در صحبت‌های برخی مسئولین حوزوی نیز بیان شده اشاره به این مسئله است که در جمهوری اسلامی نظام با حوزه یگانه می‌شود، از این رو می‌تواند بودجه‌ای از طریق ولی امر به حوزه‌های علمیه اختصاص داده شود تا حوزه بر پا باشد و بتواند به وظایف خود در قبال نظام اسلامی از جمله تولید علم، تعلیم و تربیت، پرورش نیروهای متخصص و... بپردازد (قوامی، ۱۳۹۷). برخی نیز به صراحت اعلام نموده‌اند که «بودجه دولتی در حکومت اسلامی مربوط به علما است، این‌که نباید حوزه از دولت چیزی بگیرد اشتباه است، در واقع بسیاری از بودجه دولت اسلامی از انفال است و حوزه و مراجع تقلید به دولت بودجه می‌دهند.» (طباطبایی‌نژاد[۲]، ۱۳۹۳). همچنین برخی مطرح

۱- البته مجدداً متذکر این نکته می‌شوند که حتی یک ریال از شهریه طلاب از بودجه‌های دولتی نیست، بلکه از طریق وجوهات شرعی تامین می‌شود و وابستگی حوزه در این رابطه تنها به مردم است (خاتمی ۱۳۹۱). رئیس دفتر مقام معظم رهبری نیز این نکته را گوشزد نموده‌آند: «بودجه‌هایی که رهبر معظم انقلاب به امور طلاب چون شهریه اختصاص می‌دهند، بودجه‌های دولتی نیست، بلکه از وجوهاتی است که مردم می‌دهند.» (محمدی گلپایگانی ۱۳۸۹).

۲- نماینده ولی فقیه در استان اصفهان

کرده‌اند که بیت‌المال جمهوری اسلامی در اختیار ولی فقیه است و برخی کمک‌هایی که صورت می‌گیرد با رعایت تمامی ملاحظات و در نظر گرفتن تمام جوانب، با اجازه و زیر نظر ولی فقیه گرفته و مصرف می‌شود (نواب، ۱۳۹۶).

یکی از مضامین فراگیر به‌دست‌آمده از تحلیل بیانات، پیام‌ها و مکتوبات حضرت امام(ره) نیز بحث استقلال و عدم وابستگی است که از جمله مهم‌ترین دغدغه‌هایی است که سایر بزرگان حوزه نیز در این رابطه دارند. بدین معنا که مبادا استفاده از کمک‌ها و حمایت‌های دولت و نظام اسلامی منجر به خدشه به استقلال و حریت حوزه‌های علمیه و روحانیت گردد. به‌عنوان نمونه مرحوم آیت‌اله صافی گلپایگانی در این رابطه می‌فرمایند که استقلال حوزه‌های علمیه هرچه بیش‌تر برقرار شود و تمام تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با حوزه در همه جهات، زیر نظر حوزه و علما و حوزویان باشد، خط موفق و واقعی حوزه‌های علمیه محفوظ می‌ماند؛ بر این اساس، عدم دخالت مطلق نهادها و اشخاص خارج از حوزه‌های علمیه در مدیریت آن، اصلی‌ترین شاخص استقلال حوزه‌هاست (اجرایی، ۱۳۹۵). آیت‌الله سیفی مازندرانی نیز معتقدند که مسئولان و مدیران حوزه باید مراقب باشند که خود را بند به اخذ بودجه از دولت‌ها نکنند (سیفی مازندرانی، ۱۳۹۶).

همان‌گونه که در شبکه مضامین پژوهش نیز بدست آمد و بدان اشاره گردید، استقلال حوزه به‌معنای عدم ارتباط حوزه‌های علمیه و نظام اسلامی نیست بلکه بایستی هر دو تعامل سازنده با هم داشته باشند و از یکدیگر حمایت نمایند. یعنی نه می‌توان فرض کرد که حوزه به عنوان نهاد تأثیرگذار، تعامل نداشته باشد و نه می‌توان از استقلال حوزه صرف‌نظر کرد، بلکه حوزه در عین اهتمام به حفظ استقلال، در تعامل با نظام و دولت از خدمات آن بهره می‌برد. این‌گونه بودجه‌ها که ماهیت کمکی دارند، تعهدی ایجاد نمی‌کنند و نهادهای دولتی هم نظارتی بر آن ندارند (امینی، ۱۳۸۸). در این رابطه آیت‌الله نوری همدانی معتقدند که استقلال حوزه به معنای استقلال از نظام اسلامی و ولایی نیست؛ بلکه به معنای وابسته نبودن به دولت‌هاست و باید دولت‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کند و تذکر بدهد (اجرایی، ۱۳۹۵). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز می‌فرمایند:

«حوزه و مراجع اگر دولتی شوند مشکل خواهند داشت، البته حوزه و مراجع باید حامی نظام و دولت اسلامی باشند اما این موضوع به معنای وابستگی نیست.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹).

دیگر بزرگان حوزه نیز این مسئله را تأیید نموده‌اند که استقلال و عدم وابستگی حوزه‌های علمیه با خدماتی که نظام می‌تواند به آنان ارائه دهد، منافات ندارد (شب‌زنده‌دار، ۱۳۹۱). یعنی استفاده از امکانات در اختیار نظام و دولت، به شرطی که منتهی به وابستگی مالی نشود، اشکالی ندارد. مثلاً چه اشکالی دارد که دولت اسلامی مدارس علمیه بسازد؟ (رجبی، ۱۳۹۱). درواقع هرچند وابستگی روحانیت به دستگاه دولتی مطلوب نیست، اما رابطه هم‌سویی یا پشتیبانی هیچ منعی ندارد (قوامی، ۱۳۹۷). لذا باید در نظر داشت که در دوره‌ای که حوزه به لحاظ ساختاری موقعیت خاصی پیدا کرده و از طرفی حکومت هم اسلامی است، نمی‌توان معتقد بود که دولت کاری به حوزه نداشته باشد؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد از یک سوء نظام و دولت به خاطر وظایف ذاتی‌شان خود را مؤظف به تعامل با حوزه و تأمین نظر آن می‌دانند و از سوی دیگر حوزه می‌خواهد از ظرفیت آن‌ها استفاده و در عین حال استقلال خود را با وجود تعامل با آنان، حفظ کند (امینی، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش برای تبیین مبانی نظری و لوازم تحقق نظام تأمین مالی مطلوب سازمان مدیریت حوزه‌های علمیه با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی و تبیین دیدگاه‌های حضرت امام(ره) پرداخته شد. در این راستا بیانات، پیام‌ها و سایر مکتوبات ایشان از روش‌های مختلف گردآوری گردید و طبق مراحل سه‌گانه تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و درنهایت ترکیب و ادغام متن و طی شش گام شبکه مضامین مرتبط با نظریات حضرت امام(ره) در موضوع پژوهش استخراج گردید. طبق نتایج پژوهش چهار مضمون فراگیر به دست آمد: مضمون فراگیر نخست منابع تأمین مالی حوزه‌های علمیه است که شامل شش مضمون سازمان‌دهنده جواز استفاده از اوقاف، کمک‌های مردمی، وجوهات شرعیه، اموال مصادره‌ای، کمک‌های دولتی و سهم امام(ع) است. مضمون فراگیر دوم، استقلال و عدم وابستگی سازمان مدیریت حوزه به نهادها و بخش‌های مختلف در عین استفاده از کمک‌ها و حمایت‌های ایشان است. عناوین سازمان‌یافته ذیل این مضمون فراگیر عبارت‌اند از لزوم استقلال روحانیت، استفاده از ظرفیت‌های حکومت‌ها و درعین حال حفظ استقلال و عدم وابستگی به مراکز قدرت و ثروت، عدم وابستگی به دولت و

حکومت و درنهایت عدم منافات استقلال سازمان مدیریت حوزه با بهره‌مندی از حمایت‌ها. مضمون فراگیر سوم لزوم حمایت و پشتیبانی حوزه از نظام و دولت است. در این بخش در نتیجه فرآیند شش مرحله‌ای تحلیل مضمون، مضامین سازمان‌دهنده متعددی مانند مذمت تفکر جدایی دین از سیاست، لزوم ارتباط نظام و حوزه، نیاز نظام به حوزه‌های علمیه، حمایت و پشتیبانی سازمان مدیریت حوزه از نظام و دولت و درنهایت ملاحظات همکاری حوزه با نظام و دولت به‌دست‌آمده است. مضمون فراگیر آخر نیز لزوم مدیریت و برنامه‌ریزی در سازمان مدیریت حوزه است که شامل مضامین سازمان‌دهنده مدیریت قوی و کارآمد، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و بهره‌مندی از نظرات و پیشنهادات طلاب می‌شود.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از تحقیق کلانی است که در پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت در حال انجام است.

Reference

Abbasi, Mohammad (2008), "The Shia Clergy and Their Functions in the Thought of Imam Khomeini," *Ma'refat*, No. 131. [In Persian]

Abedi Jafari, Hassan; Taslimi, Mohammad Saeed; Faghihi, Abolhassan; and Sheikhzadeh, Mohammad (2011). Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Explaining Patterns in Qualitative Data. *Strategic Management Thought*, Vol. 5, No. 10, pp. 151–198. [In Persian]

Aghanouri, Hamid (2013), *Professional Ethics and Clerical Duties from the Perspective of Imam Khomeini (RA)*, Tehran: Research Institute for Islamic Sciences and Culture.[In Persian]

Alikhani Mehrjerdi, Mohammad Hossein; Pirouzmand, Alireza; Keshtkar, Mehran; and Kameli, Behrouz (2024), "A Strategic Model for the Islamic Management of Research Networks within the Islamic Republic System, Aimed at Realizing a New Islamic Civilization," *Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution*, Vol. 3, No. 12, pp. 89–111. [In Persian]

Attride-Stirling, J. (2001), “Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research”, Qualitative Research, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.

Barzegar, Khadijeh (2011), *Mutual Duties of the Seminary and the Islamic System from the Perspective of Imam Khomeini*, Tehran: Vala-ye Montazar. [In Persian]

Beik Khormizi, Farzaneh (2021), *An Analysis of Payame Noor University Students' Experiences of the Educational Process During the COVID-19 Pandemic: A Thematic Analysis Approach*. Master’s Thesis in Educational Psychology, Golpayegan: Payame Noor University. [In Persian]

Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.

Braun, V . & Clarke, V . (2006), “Using thematic analysis in psychology”, Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

Braun, V., Clarke, V., & Terry, G. (2021). Thematic Analysis: A Practical Guide. SAGE Publications Ltd.

Farati, Abdolvahab (2009), "A Model for the Interaction Between the Clergy and the Islamic State from the Perspective of Imam Khomeini," *Pegah-e Howzeh*, No. 273. [In Persian]

Gharavian, Mohsen (1998), "An Examination of the Livelihood Conditions and Stipends of Seminary Students," *Payam-e Howzeh*, No. 20. [In Persian]

Hekmatnia, Mahmoud (2018), "Forty Years of Interaction: The Clergy and the Islamic System—Rights and Responsibilities," *Howzeh*, Vol. 35, No. 178, pp. 251–261. [In Persian]

Hosseini, Seyyed Reza; Maghsoudi, Hamidreza; and Saeedi, Ali (2020), *The System of Economic Issues Concerning the Islamic Seminary and the Clergy*, Qom: Center for Strategic Studies of the Seminary and the Clergy, Management Center of Islamic Seminaries. [In Persian]

Imam Khomeini, Ruhollah (1999), *Sahifeh-ye Imam: Collected Works of Imam Khomeini (RA)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works. .[In Persian]

Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (2012), *The Clergy and Islamic Seminaries from the Perspective of Imam Khomeini*, 5th ed., Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Masoumi, Ali (2014), *An Introduction to the Relations Between the Clergy and the Islamic State, with an Emphasis on the Views of Imam Khomeini*, Qom: Al-Mustafa International Center for Translation and Publication. [In Persian]

Mojtabazadeh, Ali (2012), *The Relationship Between the Clergy and the Islamic System from the Perspective of the Imam and the Supreme Leader*, Qom: Management Center of Islamic Seminaries. [In Persian]

Sheikhzadeh, Mohammad, and Reza Bani-Asad (2020), *Thematic Analysis (Concepts, Approaches, and Applications)*, Tehran: Logos. [In Persian]

Shirkhani, Ali, and Shirkhani, Hossein (2022), "Reform and Reformism in the Qom Seminary," *Howzeh*, Nos. 16 & 17, pp. 224–235. [In Persian]

Terry, Gareth; Hayfield, Nikki; Clarke, Victoria & Braun, Virginia. 2017. Thematic Analysis, The SAGE Handbook of Qualitative Research in Psychology, Sage UK.

Digital Sources

Ejraei, Hassan (2016), The Importance of the Independence of Islamic Seminaries; Unity in Plurality, June 4. https://mobahesat.ir/12243.

Amini, Alireza (2009), We Receive a Budget from the Government, Yet We Are Independent, January 10. https://www.asriran.com/fa/news/94673/%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA-%D8%A8%D9%88%D8%AF%D8%AC%D9%87-%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D9%85-%D9%88%D9%84%DB%8C-%D9%85%D8%B3%D8%AA%D9%82%D9%84-%D9%87%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D9%85.

Rajabi, Mahmoud (2012), The Independence of the Seminary and Its Relationship with the Islamic System, October 9. https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21648.

Seifi Mazandarani, Ali-Akbar (2017), A State-Run Seminary Cannot Fulfill Its Religious Mission, January 1. http://ijtihadnet.ir/%d8%ad%d9%88%d8%b2%d9%87-%d8%af%d9%88%d9%84%d8%aa%db%8c-%d9%86%d9%85%db%8c%e2%80%8c%d8%aa%d9%88%d8%a7%d9%86%d8%af-%d8%b1%d8%b3%d8%a7%d9%84%d8%aa-%d8%af%db%8c%d9%86%db%8c-%d8%ae%d9%88%d8%af-%d8%b1./

Shabzendedar, Mohammad-Mehdi (2012), "An Islamic Government Cannot Be Conceived Without Islamic Seminaries," 9/7. https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=21639.

Tabatabaei-Nejad, Seyyed Yousef (2014), "Ayatollah Tabatabaei-Nejad: The Government Does Not Allocate as Much Budget to Islamic Seminaries as It Does to a University," 2/5. https://noo.rs/5FdwH.

Qavami, Samsam-eddin (2018), "If the Seminary Is the Research Institute for the [Islamic] System, Then the System Must Also Provide Its Budget," 10/19. http://ijtihadnet.ir/%D8%A7%DA%AF%D8%B1-%D8%AD%D9%88%D8%B2%D9%87%D8%8C-%D9%BE%DA%98%D9%88%D9%87%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%8C-%D9%BE%D8%B3-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D9%88./

Makarem Shirazi, Naser (2010), *The Seminary Must Maintain Its Independence*, 2/16. https://noo.rs/JwAGk.

Navab, Seyyed Abolhasan (2017), "A Look at the History of the Seminary Services Center: An Interview with Hojjat al-Islam val-Muslimin Abolhasan Navab," 6/12. https://mobahesat.ir/14803.